

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی فرهنگی

فرستنده احمد پوپل
۲۰ فبروری ۲۰۲۱

ابن دیلاق - ۱۱

(محمد در گردون)

گردون شده بود آب و جارو جبریل ز ترک جست پائین
صف بسته فرشتگان به هر سو افتاد جلو به رسم و آئین
می راند به مثل برق رَفَرَف می راند به مثل برق رَفَرَف
از لطف همی گذاشت بالا هر دسته که می کشید هورا
نزدیک به بارگاه یزدان می گشت بدین جلال شایان
لنگ است زبان وصف، پایش قصری که بشر ندیده تایش
نه اول و آخرش پدیدار نه قُبّه و انتهای دیوار
فیروزه و یشم و لعل و مرجان سرتاسر آن ز سنگ الوان
خورشید به چنگی گلاویز در جای چراغ طاق دهلیز
منقوش به نقش های رنگین در های مُرَصَع پلاتین
واقف به در دریچه و باب هر سوی فرشتگان حُجَاب
استاده به انتظار حضرت میکال دم در عمارت
صد میل به پیشواز پَرید تا شکل بُراق در فلک دید
بگرفت عنان اصل لولاک اندر وسط زمین و افلاک
مالید به گُرد ره جبینش زد بوسه به پای نازنینش
می ریخت سرشک وجد شُرُش از دیده ز روی صدق چون دُر

ترک: کسی که پشت سر سوار (اسب و شتر) می نشیند
رَفَرَف: نام یکی از دو مرکب رسول که در شب معراج سوار شده بود و نام دیگرش بُراق بود
تایش: مانندش
قبه: بنای که سقف آن مدور و برآمده باشد
سنگ الوان: سنگ رنگارنگ، رنگین

یشم : سنگی شبیه عقیق یا زبرجد به رنگ های مختلف سفید سبز تیره کیود
گلاویز: آویخته ، آویزان
مُرَصع : جواهر نشان ، زرنشان آراسته به جواهر
حُجاب : حاجب، دربان، پرده داران
واقف : آگاه با خبر
میکال : نام یکی از فرشتگان مقرب میکائیل(معروف است که میکائیل امر باران رویاندن گیاهان و روزی را به عهده دارد)
عنان :لگام ؛ دهانه اسپ
اصل لولاک : اصل خلقت افلاک (لُولَاکَ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلَاکَ) اگر تو نبودى افلاک را خلق نمى کردم.
سرشک وجد : گریه خوشحالی
شرشر : صدای فروریختن پیاپی آب مانند آبشار